

تحلیل شبکه‌ای ساختار نظام اولویتی ارزش‌های جوانان

(مورد تجربی: جوانان شهر تهران)

علی بقائی سرابی*

چکیده: در این مقاله با اتخاذ رهیافت شبکه‌ای به آشکارسازی الگوهای شکلی و محتوایی نظام ارزش‌های جوانان تهرانی بر حسب رابطه اولویتی پرداخته می‌شود. الگو یا ساختار نظام اولویتی ارزش‌ها در واقع نقشه‌ای است برای ساماندهی جهان. از این رو به لحاظ شکلی، میزان استحکام یا هم‌بندی آن نظام؛ و به لحاظ محتوایی، سنخیت آن با ابعاد متقاطع «سننی/ مدرن» اینگلهارت و «آجیل» پارسونزی سنجیده می‌شود. روش پژوهش از نوع «مقطعی» است. ابزار اندازه‌گیری «پرسشنامه» است. حجم نمونه ۱۰۵۸ شهروند ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن در شهر تهران است که با استفاده از روش نمونه‌گیری «خوشه‌ای» انتخاب شده‌اند. نتایج حاصله از پردازش داده‌های رابطه اولویتی بین ارزش‌های متقاطع نشان‌دهنده وجود ساختار «نیمه‌مرتب» و غلبه نوع «سننی» در نظام اولویتی ارزشی اکثر (هفتاد و پنج درصد) جوانان تهرانی است.

کلید واژه‌ها: نظام ارزشی، اولویت، تحلیل شبکه، هم‌بندی، جوانان، تهران.

مقدمه

ارزش‌ها به مثابه ستاره‌های راهنمای کنش‌های انسان عمل می‌کنند. بر این اساس، اولویت یک ارزش بر ارزش متمایز دیگر به معنی آمادگی اقدام برای کنشی متمایز با دیگری در زمان بعدی است. در قلمرو مجموعه‌ای از عنصرهای ارزشی متمایز می‌توان از برقراری رابطه اولویتی بین عنصرهای ارزشی صحبت کرد و از آن با نام نظام اولویتی ارزشی یاد کرد. در این حالت، الگو یا ساختار (آرایش) نظام اولویتی ارزشی می‌تواند به مثابه نقشه‌ای برای ساماندهی انواع جهان‌ها، اعم از فیزیکی (اثباتی)، غیرفیزیکی (هنجاری و رابطه‌ای)، و حتی فرافیزیکی (آن جهانی)

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. rodhen4us@yahoo.com

این مقاله برگرفته از پژوهشی است که با حمایت مالی سازمان ملی جوانان اجرا شده است.

قلمداد شود. به همین دلیل، ساختار نظام اولویتی ارزشی یک نسل خاص را شناسنامه یا هویت آن نسل محسوب می‌کنند.

به لحاظ تحلیلی، ساختار چنین نظامی در دو بُعد شکلی و محتوایی قابل بررسی است. نفع معرفتی پژوهشگر در بُعد شکلی، آگاهی از سطح همبندی یا استحکام (ارگانیک یا مکانیک)؛ و در بُعد محتوایی، آگاهی از سطح نظم‌سازی یا تغییرسازی (سنتی یا مدرن) نظام‌های اولویتی ارزشی است. به عنوان یک اصل کلی می‌توان ساختار مدرن‌تر، ارگانیکی‌تر را دارای اثر توسعه‌ای‌تر منسجم‌تر قلمداد کرد.

به لحاظ تجربی، به درستی، تصور می‌شود که کشور ایران به دلیل داشتن هرم سنی منحصر به فردی که در آن جوانان بالاترین نسبت را در بین گروه‌های سنی دیگر به خود اختصاص داده‌اند، ثبات و تغییر ساختارهای شخصیتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و مذهبی آینده خود را منوط به ساختار نظام اولویتی ارزشی همین جوانان می‌داند^۱. تمایز جوانان در مقوله‌های مختلف و اقشار سلسله مراتبی به معنای تفکیک ساختاری و اجتماعی روزافزون کشور در حال توسعه ایران است. این زمینه، پندار وقوع اغتشاش، بی‌هویتی، و چند هویتی در نظام اولویتی ارزشی جوانان را تقویت کرده است. مهم‌تر، این است که ایده وقوع بی‌هویتی (عدم انسجام فکری در آرایش اولویتی ارزش‌ها) بیشتر به نسل جوان ایرانی ناظر است تا به سایر نسل‌ها. پندار قلت اشتراک نسلی در شکل و محتوای نظام اولویتی ارزش‌های جوانان نگرانی از تشکیل «ما»های مختلف (اگر نگوییم متضاد) و پی‌ریزی جهان‌های مختلف و در نتیجه توسعه نیافتگی یا توسعه یافتگی بخشی را دامن زده است. بدین دلیل، مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی کشور که دغدغه ایجاد و مدیریت تغییر یا ثبات هدفدار در ساختار نظام اولویتی ارزشی جوانان و - در نتیجه آن - توسعه منسجم کشور را دارند، شناخت علمی شکل و محتوای نظام اولویتی ارزشی را مقدم بر هر نوع اقدام بدون برنامه ای قلمداد می‌کنند و از خود می‌پرسند: «نظام اولویتی ارزش‌های نسل جوان (تهرانی) چه ساختاری دارد؟»، «ساختار نظام اولویتی ارزش‌های اکثر جوانان (تهرانی) چیست؟»، و سوال‌هایی از این قبیل. بدیهی است که پاسخ‌های غیر پژوهشی موجود - قضاوت‌ها - بر پایه نوعی شعور عامیانه استوارند تا شواهد

۱. این ادعا مطلق نیست. بدین معنا که میزان حضور و تأثیر جوانان در باز تولید یا تغییر ساختارهای جامعه مرجع منوط به همخوانی کارکرد نظام ارزشی آنان با اهداف و منافع هیئت حاکمه و میزان مشارکت دادن جوانان در زمینه‌ها و موقعیت‌های گوناگون است.

تجربی معتبر. چنین نقی، امکان برنامه‌ریزی منسجم و معتبر فرهنگی را از مسئولان فرهنگی سلب می‌کند. در این مقاله، به عنوان قدم اول در روشن کردن این نقص، سعی بر آن است که به هر دو پرسش اساسی فوق پاسخی تجربی داده شود.

بیان مسئله

نوشته های پژوهشی موجود حاکی از آنند که مطالعه شکل و محتوای ثبات یا تغییر نظام اولویتی ارزشی نسل‌ها در کانون پژوهش‌های محافل علمی- پژوهشی کشور ایران و سایر کشورها قرار گرفته است. هدف از اجرای این پژوهش‌ها، در وهله اول، کمک به انباشت دانش سازمان یافته در حوزه نظم و تغییر فرهنگی در جوامع معاصر و، در وهله دوم، پشتوانه سازی تجربی برای برنامه‌ریزی فرهنگی یعنی مداخله هدفمند، آگاهانه و سنجیده در حوزه فرهنگ (چلبی، ۱۳۷۹)- در سطح کلان کشورها است. اما به جرأت می‌توان گفت که اکثر پژوهش‌های انجام شده، تاکنون، در هر دو مورد یاد شده دچار سهل‌انگاری های متعددی شده‌اند. دلایل ابراز این ادعا از این قرارند: ۱) سؤتعبر مفهوم نظام [ارزش‌ها]، و ۲) وقوع خطاهای روش شناختی. در اینجا ابتدا اشاره‌ای بسیار کوتاه به این پژوهش‌ها در سطح ایران و سایر کشورها خواهد شد و بعد به نقد آنها پرداخته می‌شود.

تیموری (۱۳۷۹) با استفاده از روش «پیمایش» به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های نظام (اولویتی سلسله مراتبی) ارزش‌های نوجوانان همت گمارد. وی از وقوع «بحران ارزشی» [به معنای «به هم خوردن تعادل در [اولویت بخشی به] چهار مقوله قدرت، ثروت، منزلت و فرهنگ در بین نوجوانان» خبر داد. این عدم تعادل به ترجیح دادن ارزش‌های اقتصادی بر ارزش‌های سیاسی و به ویژه فرهنگی مربوط است. حاجیلری (۱۳۷۷) با استفاده از روش «تحلیل محتوا»ی مطبوعات بعد از انقلاب ۱۳۵۷ در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۵ به صراحت اعلام می‌دارد که تبلیغ ارزش‌های فرامادی در مطبوعات سال ۱۳۶۰ بیش از ۱۳۷۵ و تبلیغ ارزش‌های مادی در مطبوعات سال ۱۳۷۵ بیش از ۱۳۶۰ بوده است: روند تغییر [اولویتی] ارزش‌ها از فرامادی به مادی. اینگلهارت (۱۹۸۰) با استفاده از شواهدی که «هرز» مطرح کرده است، تغییر اولویت‌های ارزشی نسل‌های متأخر را متمایل به ارزش‌های پست‌مدرن می‌داند.

پژوهش‌های ذکر شده هر یک مفروضات هستی شناختی کمابیش متفاوتی درباره «نظام ارزشی» و «اولویت ارزش‌ها» داشته‌اند و به تبع آن به جنبه‌های برگزیده‌ای از مسأله توجه کرده

و قرائت‌های کمابیش متفاوتی مطرح کرده‌اند: عدم تعادل ارزشی، شکاف ارزشی، تغییرات ارزشی، و عدم انسجام ارزشی. اکثر این پژوهش‌ها تعبیر عامیانه‌ای از اصطلاح «نظام» [ارزشی] را به کار برده‌اند. یک تعریف حداقلی از مفهوم نظام [ارزشی] وجود دارد که این است: اجزای [ارزش‌ها] و روابط [چه نوع رابطه‌ای؟] بین آنها (مارتین و وایلی، ۱۹۹۹؛ وایلی و مارتین، ۲۰۰۰). به جرأت می‌توان گفت که اکثر پژوهش‌های مذکور تنها به شناسایی اجزا و کشف «اهمیت» [و نه «اولویت»] آنها به طور منفرد و مجزا از سایر اجزا همت گمارده‌اند. پژوهش‌های انگشت‌شماری که به بار معرفت‌شناختی مفهوم «نظام» متعهد بوده‌اند، بدون دلیل، چنین پنداشته‌اند که رابطه [اولویتی] بین اجزای مجموعه ارزش‌ها تنها یک شکل دارد و آن شکل «سلسله‌ای» یا «زنجیره‌ای» است و به همین سبب، از کشف شکل واقعی نظام ارزشی کنشگران فردی و جمعی [همچون نسل‌ها] محروم مانده‌اند. این سهل‌انگاری‌های نظری علت و معلول خطاهای روش‌شناختی بوده است. به لحاظ روش‌شناختی، در اغلب پژوهش‌های موجود برای مطالعه نظام‌های ارزشی از رهیافت «جوهرگرایی» (هر ارزشی مستقل از ارزش‌های دیگر دارای قوت عمل مخصوص به خود است) در مقابل رهیافت «رابطه‌گرایی» (هر ارزشی در بافته‌ای از ارزش‌های همگون و ناهمگون دارای قوت عمل مخصوص به خود می‌شود) استفاده شده است. بر همین اساس به تولید داده‌های اسنادی^۱ در مقابل داده‌های رابطه‌ای اقدام شده است، اقدامی که صراحتاً خطایی روش‌شناختی قلمداد می‌شود (عمر بایر، ۱۹۹۸). یکی از جنبه‌های منحصر به فرد پژوهش مطرح شده در این مقاله تعهد به بار معنایی [حداقلی] مفهوم نظام ارزشی با برقراری رابطه [اولویتی] بین اجزای مجموعه ارزش‌ها و تولید داده‌های رابطه‌ای با استفاده از ابزار مناسب برای اجرای این کار، یعنی تحلیل شبکه، است.

چهارچوب نظری

در این بخش از مقاله ابتدا تعاریف مفهومی مطرح می‌شوند؛ بعد تعدادی از نظریه‌های مرتبط معرفی خواهند شد؛ سپس ساختار نظام اولویتی ارزشی در قالب نظریه تحلیلی کنش توضیح داده می‌شود؛ و سرانجام کاربرد نظریه تحلیلی کنش در طبقه‌بندی ارزش‌ها تشریح می‌گردد.

تعاریف

در این مقاله نوع خاصی از شکل «نظام» اولویتی مدنظر است: هم بندی. از این رو مفاهیم نظام، ارزش، اولویت، همبندی و ساختار نظام اولویتی ارزشی تعریف می شود.

نظام. یک نظام، S ، عبارت است از یک زوج مرتب (V, R) که در آن V مجموعه ارزش ها و R نوع رابطه (چه نوع رابطه ای؟) بین اجزای مجموعه ارزش ها، V ، است. رابطه، R ، زوج مرتب بین عناصر مجموعه ارزش هاست. در اینجا، وجود یا عدم وجود رابطه منطقی بین اجزای مجموعه ارزش های نسل جوان مورد بررسی قرار نمی گیرد، بلکه رابطه ای عقلانی (گزینشی) مورد بررسی قرار می گیرد: رابطه «اولویتی»^۱.

ارزش. به رغم وجود تعاریف کمابیش گوناگون از مفهوم «ارزش» می توان ارزش ها را به مثابه «مجموعه ای از پنداشت های اساسی نسبت به آنچه پسندیده (تمناپذیر) است تلقی نمود که تجلی عمیق ترین احساسات مشترک نسبت به اعیان مختلف در جامعه هستند» (چلبی، ۱۳۷۵: ۶۰).

اولویت. اولویت نوعی رابطه ترجیحی بین عناصر مجموعه ارزش هاست. این رابطه از لحاظ شکلی و محتوایی قابل تجزیه است. از لحاظ شکلی رابطه اولویتی می تواند اشکال زیر را به خود بگیرد:^۲

جدول ۱: اشکال رابطه اولویتی ارزشی

ردیف	اشکال رابطه	تعریف صوری
۱)	بازتابی (Reflexive) ^۳	$\forall x_1, x_2 \in S : x_1 R x_2$
۲)	تکمیل (Completeness)	$\forall x, y \in S : (x \neq y) \rightarrow (x R y \vee y R x)$
۳)	متعدی (Transitivity)	$\forall x, y, z \in S : (x R y \& y R z) \rightarrow x R z$
۴)	ضد تقارن (Anti-Symmetry)	$\forall x, y \in S : (x R y \& y R x) \rightarrow x = y$
۵)	نامتقارن (Asymmetry)	$\forall x, y \in S : x R y \sim \rightarrow y R x$
۶)	متقارن (Symmetry)	$\forall x, y \in S : x R y \rightarrow y R x$

1. Preference Relation

۲. «برای تمامی» \rightarrow «اگر، پس»، \sim «نه»، \vee «یا»، $\&$ «و»، $=$ «برابر با»، \in «متعلق به»، \neq «متمايز با»، R «اولویت دارد بر».

. یعنی هر جانشینی برای هر یک از ارزش ها بایستی به همان اندازه خواستنی تر باشد. مثال: «سلامت» خواستنی تر از «لذت طلبی» است. به طور صوری $\forall a_1, a_2 \in V : a_2 R a_1$

از لحاظ محتوایی رابطه اولیته می‌تواند دو حالت متفاوت داشته باشد (فارارو، ۱۹۸۹):
الف) خواستنی، و ب) بی تفاوت.

شکل ۳ شرط «عقلانیت» و شکل ۲ شرط «سلامت» عقل قلمداد می‌شود (سن، ۱۹۷۹: ۸).
شکل ۴ دال بر محتوای «بی تفاوت» و شکل ۵ دال بر محتوای «خواستنی» بین این دو جزء از اشیاء است. تذکر این نکته الزامی است که اشکال شش‌گانه فوق، به استثنای شکل ۳، تنها بیانگر وقوع [تعدادی از] اشکال رابطه [اولیته] بین زوج ارزش‌های متعلق به مجموعه ارزش‌ها هستند و نه مربوط به اشکال مربوط به رابطه اولیته بین تمامی اجزای مجموعه ارزش‌ها. این اشکال می‌توانند شش شکل مرتبط با بُعد ارگانیک/ مکانیک (سطح هم بندی) داشته باشند که در ذیل معرفی می‌شوند.

هم بندی. هم بندی یک گراف یا گراف جهت‌دار (همچون شبکه ارزش‌ها) یکی از حوزه‌های بسیار مهم نظریه گراف است. گراف جهت‌دار را می‌توان، بنابه دلایل نظری، به یک گراف تبدیل کرد. در اینجا از یک گراف جهت‌دار $D=(V(1384), R)$ برای تعریف هم بندی استفاده می‌شود. در این مقاله هم بندی ارزش‌های جوانان تهرانی V [بواسطه R - رابطه اولیته] مدنظر است: اعضای V ، مجموعه ارزش‌ها، به مثابه گره‌ها یا نقطه‌ها و اعضای R به عنوان کمان‌ها یا خطوط جهت‌دار تلقی می‌شوند. یک کمان، یک زوج مرتب از گره‌هاست. برای مثال، زوج (V^{AT}, V^{AM}) را چنین می‌خوانند: کمان (V^{AT}, V^{AM}) از (V^{AT}) به (V^{AT}) می‌رود.

هم‌بندی یک گراف جهت‌دار دو نوع است: خط (کمان) - هم‌بندی و نقطه (گره) - هم‌بندی. خط (کمان) هم‌بندی $K=K(D)$ یک گراف جهت‌دار D ، کوچکترین تعداد کمان‌هایی است (در اینجا اولویت یک ارزش بر ارزشی دیگر) که حذف آنها منجر به یک گراف بدیهی^۱ یا ناهم‌بند می‌شود. نقطه (گره) هم‌بندی $Y=Y(D)$ یک گراف جهت‌دار D ، کوچک‌ترین تعداد گره‌هایی (در اینجا «ارزش‌هایی») است که حذف آنها منجر به یک گراف بدیهی یا ناهم‌بند می‌شود. یک گراف جهت‌دار قویاً هم‌بند^۲ (ارگانیک‌تر) یا قوی است - هرگاه هر دو گره متمایز در آن، همچون (V^{AT}, V^{AM}) به طور متقابل دسترس‌پذیر باشند: به طور یک طرفه هم‌بند است؛

۱. گرافی را که دارای یک نقطه و صفر خط باشد گراف بدیهی (Trivial Graph) می‌نامند.

۲. از آنجا که درجه هم‌بندی این اشکال نابرابر است، در اینجا بر حسب دارا بودن کمترین درجه هم‌بندی تا بیشترین درجه هم‌بندی مرتب شده‌اند. بدیهی است اشکالی که بیشترین درجه هم‌بندی را داشته باشند، ارگانیک-تر، و اشکالی که کمترین درجه هم‌بندی را داشته باشند، مکانیکی‌تر از سایر اشکال خواهند بود.

یا یک طرفه است- هر گاه از بین دو گروه (V^{AT}, V^{AM}) حداقل یک گره از طریق گره دیگر دسترس پذیر باشد (هرری، ۱۹۷۲).

به طور ضمنی، اگر هر ارزش در مجموعه ارزش‌ها، هنگام ردیابی، در یک گام مشخص از طریق تمامی ارزش‌های دیگر قابل دسترس باشد، خواه بر ارزش‌هایی خاص اولویت داشته باشد خواه سایر ارزش‌ها بر آن ارزش اولویت داشته باشند، آن نظام ارزشی قویاً هم‌بند نامیده می‌شود. این همان نظام اولویتی ارزشی است که دارای ساختار «کامل» (ارگانیک) نامیده می‌شود. در صورتی که هیچ ارزشی در مجموعه ارزش‌ها از طریق همدیگر قابل دسترس نباشند، هم‌بندی آن صفر خواهد بود. این همان نظام اولویتی ارزشی است که ناهم‌بند (نظام مکانیکی) نامیده می‌شود.

ساختار نظام اولویتی ارزشی. از لحاظ شکلی، با توجه به کمیت و آرایش هم‌بندی، هر نظام اولویتی ارزشی می‌تواند حداقل شش نوع ساختار متفاوت به خود بگیرد (سن، ۱۹۷۹: ۹):

جدول ۲: انواع ساختار نظام اولویتی ارزشی

ردیف	خاصیت شکلی	نوع ساختار
۱)	متعدی و بازتابی	نیمه مرتب (Quasi-Ordering)
۲)	تقارن ضد و متعدی بازتابی،	مرتب جزئی (Partial Ordering)
۳)	متقارن و متعدی	مرتب جزئی مستحکم (Strict Partial Ordering)
۴)	بازتابی، متعدی و تکمیل	مرتب (Ordering)
۵)	بازتابی، متعدی، تکمیل و ضد تقارن	دنباله (سلسله یا زنجیره) (Chain)
۶)	تکمیل و نامتقارن متعدی،	مرتب قوی (Strong Ordering)

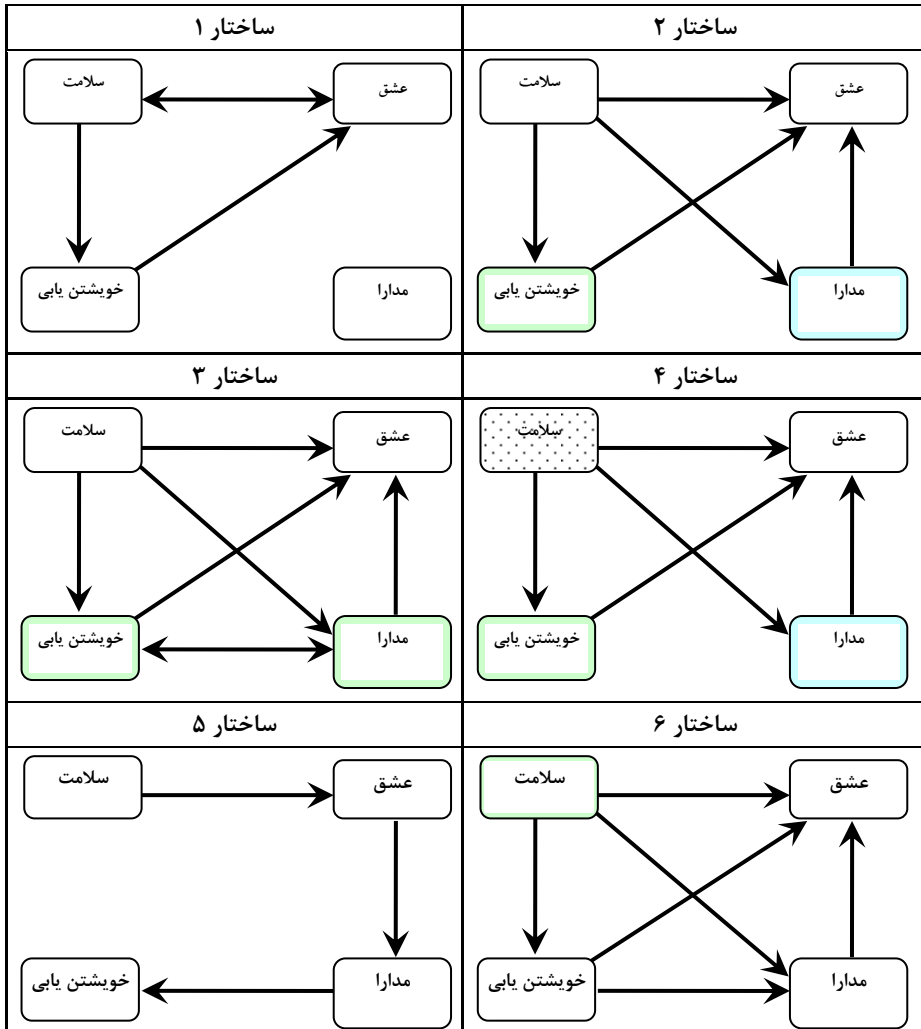
بدیهی است الگویی که بتواند اولویت تک تک ارزش‌ها نسبت به همدیگر را ترسیم کند، ساختار نوع ۶، بهتر از سایر الگوها می‌تواند راهنمای کنش اعضای جامعه باشد (لیتل و دیگران، ۱۹۸۸).

با توجه به نمودار ۱، در ساختار نوع ۶، جای هیچ ارزشی را در سلسله‌مراتب نظام ارزش‌ها نمی‌توان تغییر داد. برای مثال، هنگامی که نظام اولویتی ارزشی درکل جوانان تهران چنان حالتی داشته باشد، آن را مرتب قوی می‌نامیم: هیچ چیزی بر سلامت ترجیح داده نمی‌شود و هیچ چیزی فروتر از عشق نیست. اول باید به فکر سلامتی، بعد خویش‌نمایی، سپس مدارا و بعد از آن عشق بود. هیچ چیزی نباید خللی در این سلسله ایجاد کند.

اما در ساختار ۳ مدارا و خویشن‌یابی همزمان بر همدیگر ترجیح داده می‌شوند. در این حالت نمی‌توان تشخیص داد که آیا بایستی منابع خود را صرف تحقق خویشن‌یابی کرد یا مدارا، اگر چه سلامت بر هر دوی اینها ترجیح دارد و همچنان عشق فروتر از هر سۀ اینهاست. ساختار نوع ۲ نیز همین الگو را دارد، با این تفاوت کوچک که، برای مثال، مدارا و خویشن‌یابی را جامعه‌نشینان فرضی، کاملاً مشابه قلمداد کرده‌اند، به عبارتی این دو چیزهایی مجزا از همدیگر قلمداد نمی‌شوند تا بتوان بین آنها رابطه اولییتی قائل شد. ساختار نوع ۵، همان ساختاری که در ابتدای این مقاله با نام «سلسله» یا «زنجیره» از آن یاد شد، ساختاری است کاملاً صلب و سخت. به این مثال دقت کنید: خویشن‌یابی تنها زمانی خواستنی است که مدارا محقق شده باشد، مدارا تنها زمانی خواستنی است که عشق محقق شده باشد و عشق زمانی خواستنی است که سلامت محقق شده باشد. ساختار نوع ۴ نیز همچون ساختار نوع ۲ است با این تفاوت که هیچ ارزشی نمی‌تواند عین هر ارزش دیگر باشد. ساختار نوع ۱ همچون ساختار نوع ۲ است با این تفاوت که ضرورتاً نباید هر ارزشی خواستنی‌تر یا نخواستنی‌تر از هر ارزش دیگر باشد. بلکه می‌توان رابطه بی‌تفاوتی بین آنها قائل شد. چنین ساختاری سست است (خاصیت مکانیکی نظام اجتماعی).

در توضیح اهمیت این ساختارها می‌توان چنین ادعا کرد که: ساختار نظام اولییتی ارزشی نقش تعیین‌کننده‌ای در کنش‌های انسان ایفا می‌کند (بوردیو به نقل از ریتزر، ۱۳۷۵؛ کلاکهورن و استرادبرگ به نقل از روشه، ۱۳۸۲؛ افروغ، ۱۳۸۰؛ فارارو، ۲۰۰۰؛ فارارو، ۱۹۸۹). آنها همگی به نقش نظام‌های ارزشی در تسهیل یا بازدارندگی کنش‌های انسانی تأکید می‌کنند.

نمودار ۱: بریده‌هایی از ساختارهای شش‌گانه نظام اولویتی ارزشی



از نظر بوردیو «عادت‌واره» ها نقشی محوری در تعیین کنش‌های اجتماعی انسانها ایفا می‌کنند. وی مدعی است که ساختمان اولویت ارزشی کنشگران بخش مهمی از عادت‌واره‌ها را تشکیل می‌دهد. چون با آن می‌توان از میان پیشنهادات مختلف، گزینش و تصمیم‌گیری کرد و تمهیداتی را که در جهان اجتماعی لازم است، تدارک دید. چنین فرایندی دال بر این است که

کنش‌گران انسانی دارای عقلانیتی نسبی در عرصه اجتماع هستند. به زعم بورديو «انسان‌ها خرفت نیستند»، اما کاملاً عقلانی هم نیستند. (همان).

طبق نظر کلاکهورن و استرادبرگ (روشه، ۱۳۸۲) ساختار نظام اولویتی ارزشی در هر جامعه دلالت‌هایی اساسی بر جهت و سرعت حرکت یا ثبات کنش‌های جامعه دارد. الگوهای کنش اجتماعی مبتنی بر الگوهای اولویت ارزشی هستند. الگوهای اولویت ارزشی فرمولی برای حل مسائل اساسی بهتر انسان قلمداد می‌شوند. این متفکران حداقل پنج مسأله و پنج راه‌حل مرتبط با آنها را شناسایی کرده‌اند. مطابق با نظر آنها، الگوی ارزش‌هایی که کنش‌های «تسلیم در برابر طبیعت» را توصیه می‌کنند با الگوی ارزش‌هایی که کنش‌های «کنترل بر طبیعت» را تجویز می‌کنند در دو سر مقابل یک طیف قرار دارند. الگوی ارزش‌های ترجیحی در این نظریه، مختص به یک فرد یا گروه خاصی نیست، بلکه به انتخاب جمعی مربوط می‌شود (توسلی، ۱۳۸۳).

افروغ (۱۳۸۰) با اشاره به تحول جوامع از مکانیکی به ارگانیکی به شاخص‌های ارزشی در جوامع مکانیکی و ارگانیکی اشاره می‌کند:

جدول ۳: سنخ‌شناسی انواع جوامع انسانی بر اساس ماهیت و شاخص‌های ارزشی

جوامع مکانیکی	جوامع ارگانیکی	
ماهیت	کم‌حجم، ضعیف، تعیین‌بخشی در سطح پایین، مادی و ملموس، مشابه، انعطاف‌ناپذیر، مبتنی بر حقوق، تنبیهی	کم‌حجم، ضعیف، تعیین‌بخشی در سطح پایین، مادی و این جهانی، مبهم، کلی، متمایز، انعطاف‌پذیر
شاخص	حجم‌گرا، عاطفه‌گرا، تعبد، انفعال‌گرا، فقدان استقلال رای، عدم رقابت، طبیعی بودن نابرابری، سنت‌گرا، تولید کم، مشارکت انفعالی، خانواده‌گرا و قوم‌گرا	مبتنی بر حقوق، بازدارنده و ترمیمی، فردگرا، عقل‌گرا، آزادی، فعال‌گرا، استقلال رای، رقابت، غیرطبیعی بودن نابرابری، دموکراسی، نوگرا، تولید بالا، کاهش نفوذ خانواده

الستر و هایلند (۱۹۸۰) معتقدند که کنشگران انسانی دارای عقل اند و اعمال آنها، در موارد زیادی، مبتنی بر اولویت‌هایی است که از لحاظ عقلی، عناصر مجموعه‌اشیایی را که پسندیده پنداشته می‌شوند، متمایز می‌سازد. فارارو (۱۹۸۹) با توجه به نظریه انتخاب عاقلانه مدعی است که شناخت اولویت‌های ارزشی کنشگران اهمیت وافری در پیش‌بینی و در صورت لزوم کنترل و هدایت نیت و اعمال آنها خواهد داشت. فارارو در اثر دیگرش (۲۰۰۰) کم و کیف انسجام ارزشی مشترک را برای تعیین پارامترهای نظم اجتماعی و تعادل پویای اجتماع جامعه-ای حیاتی قلمداد می‌کند. وی منظور خود از اصطلاح نظام ارزشی مشترک را با الهام از اندیشه-

های پارسونز در مورد دنباله وسیله-هدف^۱ به زبان نظریه گراف در ریاضی بیان می‌کند: یک سری از لبه‌ها (e, m) مسیرهایی را می‌سازند که در آنها برخی از ارزش‌ها به مثابه وسایلی، m ، برای رسیدن به برخی از اهداف، e ، به کار بسته می‌شوند. در این مسیرها، ارزش‌هایی وجود خواهند داشت که هیچ لبه‌ای به سمت آنها کشیده نشده است. این ارزش‌ها فقط «وسیله» اند. در مقابل، ارزش‌هایی وجود خواهند داشت که هیچ لبه‌ای از آنها کشیده نشده است. این ارزش‌ها فقط «هدف» اند. سایر ارزش‌ها، دارای لبه‌هایی هستند که از سوی آنها یا به سوی آنها کشیده شده‌اند. اینها تشکیل دهنده بخش میانی یک ساختار ارزشی هستند. با داشتن چنین تصویری از یک نظام ارزشی، الف) در صورتی که همه ارزش‌ها توسط لبه‌هایی به همدیگر متصل باشند، یعنی نقطه هدف یک لبه (e_1, m_1) با نقطه وسیله لبه‌ای دیگر (e_2, m_2) یکسان باشد، پس $(e_1 = m_2)$ ؛ و ب) آرایش اتصالات در میان کنشگران مشمول یک نظام اجتماعی مشترک خواهد بود و در این صورت می‌توان از وقوع انسجام ارزشی مشترک سخن به میان آورد (همان). ادعای تبیینی مهم این است که هر لبه‌ای در نظام ارزشی متناظر با یک «کنش» در «فضای کنشی» است (فارارو ۱۹۸۹). از این‌رو، انسجام ارزشی مشترک مترادف با نظام کنشی منسجم است.

ساختار نظام اولویتی ارزشی در قالب نظریه تحلیلی کنش

در اینجا ابتدا نظریه تحلیلی کنش به طور مختصر معرفی می‌شود سپس کاربرد آن در تشخیص ساختار نظام اولویت ارزشی و طبقه‌بندی ارزش‌ها توصیف می‌شود.

نظریه تحلیلی کنش مشتق از نظریه‌های تالکوت پارسونز است. طبق آن، سه سطح انتزاع مفهومی وجود دارد. در سطح اول مفاهیمی همچون «کنشگر»، «کنش»، و «وضعیت کنش» مطرح می‌شود. در سطح دوم چهار نوع نظام کنش وجود دارد: نظام اثباتی، نظام تمایلی، نظام اجتماعی، و نظام فرهنگی (فارارو ۱۹۸۹؛ چلبی، ۱۳۸۵). هر یک از این نظام‌های کنش نیازهای کارکردی مربوط به خود را دارند. نظام اثباتی به کارکرد «انطباق^۲» جامعه عمل می‌پوشد. نظام تمایلی نیاز به «دستیابی به هدف^۳» را برآورده می‌کند. نظام اجتماعی به کارکرد «هماهنگی^۴» بین اجزای نظام جامعه عمل می‌پوشاند. نظام فرهنگی نیاز به «حفظ الگو^۵» را

1. Means-ends Chain
2. Adaptation
3. Goal Attainment
4. Integration
5. Latency

برآورده می‌سازد.

وضعیت هر یک از نظام‌ها در «فضای کنش» از دو عامل اساسی تبعیت می‌کند: «پیچیدگی نمادین» و «شقوق ممکن کنش» (چلبی، ۱۳۸۵). هر یک از این نظام‌ها دارای درجه‌ای از «گشاینده‌گی» یا تغییرسازی روی قلمرو کنش هستند. نظام A دارای بیشترین اثر گشاینده‌گی و نظام I دارای کمترین اثر گشاینده‌گی (انسداد) است. نظام‌های G و L نیزه هم دارای اثر گشاینده‌گی اند و هم انسداد.

جایگاه هر یک از نظام‌های فوق در دستگاه مختصات دو بعدی قابل شناسایی است:



نمودار ۲: جایگاه نظام‌های کنش در فضای کنش (منبع: چلبی، ۱۳۸۵)

در صورتی که خرده‌نظام A بر خرده‌نظام‌های دیگر اولویت کارکردی داشته باشد، آنگاه کنش‌ها نیز دارای اثر «پویاساز» خواهند بود. در صورتی که خرده‌نظام I بر خرده‌نظام‌های دیگر اولویت کارکردی داشته باشد، آنگاه کنش‌ها نیز دارای اثر «انسدادی» خواهند بود. اولی را خاصیت «مدرن» و دومی را خاصیت «سنتی» نظام‌های اجتماعی نام‌گذاری می‌کنیم. مدرن-شدن انسان‌ها به زعم لاسول و دیگران (۱۹۷۶) به معنای این است که کنشگران از حالت سکون و تعادل بیرون بیایند، به آن چیزی که دارند قانع نباشند، و در پی بهبود به ویژه در حوزه سودآوری اقتصادی باشند.

ارزش‌ها نیز از جمله عناصر موجود در فضای کنش هستند. ارزش‌هایی که نوعاً متعلق به خرده‌نظام A باشند، بیش از ارزش‌هایی که متعلق به سایر خرده‌نظام‌ها هستند، میزان تغییر پذیری حوزه‌های کنش را افزایش می‌دهند. ارزش‌هایی که متعلق به نظام I باشند، بیشتر از

سایر ارزش‌ها میزان نظم‌دهندگی حوزه‌ کنش را برعهده دارند. در خرده‌نظام I رابطه‌ کنش با نماد اساساً صریح و به اصطلاح تک به تک است. یعنی هر نمادی دقیقاً به یک کنش متناظر قابل ارجاع است و بالعکس. چنین رابطه‌ای روی قلمرو (آزادی عمل) کنش اثر (کارکرد) انسدادی دارد. در خرده‌نظام L، یک نماد در برگیرنده تعدادی کنش است.

در نظام ارزشی خاصی که قطب A غالب است، دغدغه اصلی کنشگران انطباق بیشتر با محیط است. به عبارتی مسائل اصلی حول محور پیشرفت اقتصادی است. برعکس، در نظام ارزش‌هایی که قطب A به لحاظ اولویتی فروتر از سایر اقطاب است، کنشگران بیشتر به سوی کسب وجهه و آبروی اجتماعی گرایش پیدا می‌کنند. چنین گرایشی کنشگر را کم درآمد می‌سازد. به طوری که بخش بزرگی از انرژی فرد صرف کسب حیثیت اجتماعی بیشتر و افزایش کیفیت زندگی می‌شود و نه کسب درآمد بیشتر (همان، ص ۱۸۵). کنش غالب در حوزه A از نوع «کنش ابزاری» است. منطق غالب آن بر پایه اصل «بهبودسازی» است. ساز و کار «فعال-سازی» دیگران برحسب «تحریک»^۱ است (چلبی، ۱۳۸۵). نتیجه آنکه نظام‌های ارزشی پویاساز، رشد اقتصادی را تسریع می‌کنند و عمق می‌بخشند.

با تکیه بر این نظریه، ارزش‌ها به لحاظ شکلی و محتوایی قابل تجزیه تحلیلی هستند. از لحاظ شکلی می‌توان تعداد و شدت ارزش‌های موجود در نظام ارزشی هر فرد، گروه، نسل و جامعه را مورد بررسی قرار داد. از لحاظ محتوایی، دو نوع تجزیه میسر است. اولی برحسب چهارچوب تحلیلی AGIL (چلبی، ۱۳۸۵؛ فارارو، ۱۹۸۹؛ توکلی، ۱۳۷۹) و دیگری برحسب چهارچوب تحلیلی سنتی-مدرن (T-M) (اینگهارت و بیکر، ۲۰۰۰؛ توکلی، ۱۳۷۹). طبق اولی، ارزش‌های اقتصادی (A)، ارزش‌های سیاسی (G)، ارزش‌های اجتماعی (I) و ارزش‌های فرهنگی (L) قابل شناسایی هستند. بعد دوم، قطب T-M (سنتی به مدرن) برگرفته از نظریات اینگهارت و سایرین است. در قطب T (سنتی) آن دسته از ارزش‌هایی انتخاب شدند که کارکرد آشکار یا ضمنی آنها ایجاد ثبات یا انسداد در هر یک از حوزه‌های حیات جمعی و فردی است. در قطب M (مدرن) ارزش‌هایی قرار گرفتند که کارکرد آشکار یا ضمنی آنها ایجاد تغییر و پویایی در نظام کنشی است. بدین ترتیب با ادغام آن ابعاد هشت بعد فرعی برای ارزش‌ها تشخیص داده شد:

(۱) A.T ارزش‌های سنتی در بعد A: قناعت، منافع جمعی، لذت‌طلبی، انباشت سرمایه.

1. Inducement

- (۲) A.M ارزش‌های مدرن در بعد A: پول، سلامت، سخت‌کوشی، پیشرفت و ترقی، استقلال مادی، وقت‌شناسی، محاسبه‌گری، کارایی، انضباط، منافع شخصی، رفاه.
- (۳) G.T ارزش‌های سنتی در بعد G: قدرت، امنیت، ظلم‌ستیزی، رهبری، تحمل مخالف، دفاع، مقام، اطاعت.
- (۴) G.M ارزش‌های مدرن در بعد G: اقتدار، مردم‌سالاری، رهبری، حقوق شهروندی، آزادی بیان، حق انتخاب، تصمیم‌گیری، مدارا، تکثیر احزاب، انتقادگرایی، سرکشی، حمله، مدیریت.
- (۵) I.T ارزش‌های سنتی در بعد I: تعهد، آبرو، قوم‌مداری، صداقت، یکرنگی، ایثار، احترام، دوستی، وفاداری.
- (۶) I.M ارزش‌های مدرن در بعد I: اعتماد، نوع‌دوستی، منزلت، رعایت حقوق دیگران، عشق.
- (۷) L.T ارزش‌های سنتی در بعد L: آرمان خواهی، حقیقت‌جویی، هویت فرهنگی، دینداری، مصالح دینی، تحکم.
- (۸) L.M ارزش‌های مدرن در بعد L: علم، تساهل، اختراع، خویشن‌داری، اکتشاف.

ابزار اندازه‌گیری

ساختن ابزار اندازه‌گیری ساختار نظام اولوی‌تی ارزش‌های جوانان تهرانی در شش مرحله به هم پیوسته به شرح زیر انجام گرفت: اول، ارزش‌های مستخرج از نوشته‌های پژوهشی علمی و چهارچوب نظری بر حسب چهارچوب تحلیلی AGIL پارسونز، همان طور که در بالا عنوان شد، طبقه‌بندی شدند. این کار برحسب «جنس کارکردی» ارزش‌ها انجام داده شد. دوم، برای ایجاد اجماع مفهومی در طبقه‌بندی ارزش‌ها در بُعد T-M، شانزده صاحب‌نظر در حوزه‌های چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انتخاب شدند. بعد، ارزش‌های طبقه‌بندی‌شده در فوق، به طور درهم و بدون ذکر نوع طبقه‌بندی در چهارچوب آجیل پارسونزی، در اختیار افراد مذکور قرار گرفت تا هریک را برحسب یک طیف از قطب «انسدادبخشی» تا «پویاسازی» ارزیابی کنند. نتایج زیر حاصل «اجماع» صاحب‌نظران در مورد مصادیق ارزش‌های سنتی و مدرن است.

جدول ۴: ارزیابی درجه نزدیکی ابعاد ارزش های حوزه A به ابعاد سنتی /مدرن (مرحله دوم)

مدرن		سنتی	
میانگین	ارزش	میانگین	ارزش
۴	یول،	۱	قناعت
۳/۵	سلامت	۱	لذت طلبی

جدول ۵: ارزیابی درجه نزدیکی ابعاد ارزش های حوزه G به ابعاد سنتی /مدرن (مرحله دوم)

مدرن		سنتی	
میانگین	ارزش	میانگین	ارزش
۳	اقتدار	۱	اطاعت
۳	مدارا	۱/۲۵	قدرت

جدول ۶: ارزیابی درجه نزدیکی ابعاد ارزش های حوزه I به ابعاد سنتی /مدرن (مرحله دوم)

مدرن		سنتی	
میانگین	ارزش	میانگین	ارزش
۳	منزلت	۱	آبرو
۳	اعتماد	۱	وفاداری

جدول ۷: ارزیابی درجه نزدیکی ابعاد ارزش های حوزه L به ابعاد سنتی /مدرن (مرحله دوم)

مدرن		سنتی	
میانگین	ارزش	میانگین	ارزش
۳/۵	خویشتر:داری	۱	دینداری
۳	تساهل	۱/۲۵	حقیقت جویی

سوم، برای ساختن ابزار تحقیق، ابتدا از هر یک از ارزش های حوزه های چهارگانه AGIL دو ارزش سنتی و دو ارزش مدرن انتخاب شدند. ملاک انتخاب این ارزش ها «میانگین» نمره ارزیابی داوران بود. بدین ترتیب، ارزش هایی که نمره «کمتری» کسب کرده بودند (از این رو دارای بیشترین اثر انسداد آفرینی قلمداد شدند) و ارزش هایی که نمره «بیشتری» کسب کرده بودند (از این رو دارای بیشترین اثر پویاسازی قلمداد می شدند) انتخاب شدند. بدین ترتیب شانزده ارزش معرفی شده در جدول های ۴ تا ۷ به عنوان اجزای مجموعه ارزش ها انتخاب شدند. چهارم، قدم بعدی ساختن ویگنت هایی^۱ برای ایجاد شرایط مصنوعی بود تا ارزش های

۱. یک ویگنت مجموعه ای از شرایط مصنوعی است که در آن با کنترل برخی از متغیرها، متغیرهای مورد مطالعه دستکاری می شوند تا رفتار آزمودنی ها در آن شرایط مورد آزمایش قرار بگیرد.

انتخاب شده به نحوی در مقابل همدیگر قرار گیرند که هر آزمودنی راهی جز تقدم قایل شدن برای یکی از آن دو نداشته باشد. انتخاب یکی از ارزش‌ها در آن شرایط به معنای اولویت‌ارزشی بر ارزش دیگر قلمداد می‌شود. در این مرحله، ماتریسی تهیه شد که در آن هر ارزش در مقایسه با پانزده ارزش دیگر آزموده می‌شد. مبنای مقایسه، اولویت دادن به یکی از دو ارزش مورد مقایسه در شرایط انتخاب یکی از آنها بود. بدین ترتیب هشت ماتریس برحسب ابعاد فرعی تجزیه‌تحلیلی ارزش‌ها تشکیل شد که در آن هر ارزش با ارزش متجانس و نامتجانس مورد مقایسه قرار گرفت. پنجم، متغیرهای زمینه‌ای شامل «جنسیت»، «سن»، «سطح تحصیلات»، و «وضع تأهل» در قالب سؤالات بسته اندازه‌گیری شدند. ششم، پرسشنامه طراحی شده در اختیار ۴۰ جوان ساکن شهر تهران قرار گرفت که به طور تصادفی از مناطق مختلف شهر انتخاب شده بودند. هدف از این کار، بررسی میزان قابل فهم بودن سؤالات، بررسی ساختار دستوری و محاوره‌ای آنها، بررسی ترتیب قرار گرفتن سؤالات، و در نهایت اطمینان از قابلیت اجرایی آن در یک مدت زمان معقول بود.

روش پژوهش، روش نمونه‌گیری، و حجم نمونه

روش پژوهش «پیمایشی از نوع مقطعی» است. واحد تحلیل «رابطه» (اولویتی) و واحد مشاهده «فرد» است. جامعه آماری شامل کلیه ساکنان شهر تهران اعم از مرد و زن متولد بین سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۶ است. تعداد نمونه انتخاب شده ۱۰۵۸ نفر است. روش نمونه‌گیری «خوشه‌ای» است. اطلاعات پرسشنامه‌های تکمیل‌شده، ابتدا در صفحه کاری نرم‌افزار SPSS وارد شدند. بعد، روابط اولویتی (۱۲۰ رابطه برای هر نمونه) با برنامه‌های سودمند Neg2Adj و Adj2Neg به فایل‌های مختص نرم‌افزار UCINET تبدیل شدند و سرانجام مورد پردازش قرار گرفتند.

یافته‌های تجربی

در ادامه، ابتدا صفات و ویژگی‌های زمینه‌ای نمونه آماری تحت عنوان متغیرهای زمینه‌ای توصیف می‌شود. بعد، اولویت‌ارزش‌های اجتماعی برحسب وجود یا عدم وجود اولویت دو به دو بین ابعاد شانزده‌گانه ارزش‌ها، ابعاد AGIL، و ابعاد T-M گزارش خواهد شد. سپس، به تحلیل اشکال رابطه اولویتی ارزشی پرداخته می‌شود. در نهایت، ساختار نظام اولویتی ارزش‌های جوانان - به عنوان هدف اصلی این پژوهش - شناسایی و توصیف خواهد شد.

۱. توصیف متغیرهای زمینه‌ای

متغیرهای زمینه‌ای در جدول زیر گزارش می‌شوند:

جدول ۸: توزیع متغیرهای زمینه‌ای برحسب «جنسیت»، «وضع تأهل»، «سن»، و «سطح تحصیلات»

درصد	تعداد		
۵۴	۵۷۱	مرد	جنس
۴۶	۴۸۷	زن	
۱۰۰	۱۰۵۸	کل	وضع تاهل
۷۱/۹	۷۵۳	مجرد	
۲۸/۱	۲۹۵	متاهل	
۱۰۰	۱۰۴۸	کل	سن
۱۹/۴	۲۰۴	۱۵ تا ۱۹ سال	
۲۶/۲	۲۷۶	۲۰ تا ۲۳ سال	
۳۲	۳۳۷	۲۴ تا ۲۷ سال	
۲۲/۳	۲۳۵	۲۸ و ۲۹ سال	کل
۱۰۰	۱۰۵۲	کل	تحصیلات
۱۸/۹	۱۹۷	زیر دیپلم	
۴۲/۲	۴۴۰	دیپلم	
۱۳/۶	۱۴۲	فوق دیپلم	
۲۳/۹	۲۴۹	لیسانس	
۱/۴	۱۵	فوق لیسانس	کل
۱۰۰	۱۰۴۳	کل	

۲. توصیف ابعاد محتوایی اولویت ارزش‌های اجتماعی

در این قسمت اولویت ابعاد محتوایی ارزش‌ها برحسب چهارچوب AGIL و T-M گزارش می‌شود.

۱-۲. توصیف اولویت ارزش‌های اجتماعی برحسب چهارچوب AGIL

جدول ۹ اولویت بعد (A) بر سایر ابعاد را نشان می‌دهد:

جدول ۹: تعداد و درصد اولویت بعد A بر سایر ابعاد ارزشی

درصد	ابعاد ارزش‌ها	ردیف
۲۱	انطباق با محیط (A)	۱
۲۷	دستیابی به هدف (G)	۲
۲۴	انسجام (I)	۳
۲۸	حفظ الگوها (L)	۴

طبق ارقام مذکور در جدول فوق، بعد A در ۲۸ درصد از موارد بر بعد حفظ الگوها- فرهنگی L اولویت دارد. بعد از آن بعد A در ۲۷ درصد از موارد بر بعد دستیابی به هدف- سیاسی G اولویت دارد. سپس بعد A در ۲۴ درصد از موارد بر بعد انسجامی- اجتماعی I اولویت دارد. در نهایت، بعد A که شامل ارزش‌هایی همچون «پول»، «قناعت»، «لذت‌طلبی» و «سلامتی» می‌شد، در ۲۱ درصد از موارد بر همدیگر اولویت دارند. جدول ۱۰ نشان‌دهنده میزان اولویت بعد G بر سایر ابعاد ارزشی است:

جدول ۱۰: تعداد درصد اولویت بعد G بر سایر ابعاد ارزشی

ردیف	ابعاد ارزش‌ها	درصد
۱	انطباق با محیط (A)	۲۷
۲	دستیابی به هدف (G)	۲۰
۳	انسجام (I)	۲۶
۴	حفظ الگوها (L)	۲۷

همان طور که در جدول مشاهده می‌شود در ۲۷ درصد از موارد بعد G بر بعد حفظ الگوها- فرهنگی اولویت دارد. بعد از آن بعد G بر بعد انسجامی- اجتماعی I در ۲۶ درصد موارد اولویت دارد. بعد G که خود شامل ارزش‌هایی همانند «امنیت جانی»، «اطاعت»، «اقتدار» و «مدارا» است، در ۱۹ درصد موارد بر همدیگر اولویت دارند. در نهایت، بعد G در ۲۷ درصد موارد بر بعد انطباقی- اقتصادی A اولویت دارد. جدول ۱۱ میزان اولویت بعد I بر سایر ابعاد ارزشی را نشان می‌دهد:

جدول ۱۱: تعداد و درصد اولویت بعد I بر سایر ابعاد ارزشی

ردیف	ابعاد ارزش‌ها	درصد
۱	انطباق با محیط (A)	۲۸
۲	دستیابی به هدف (G)	۲۶
۳	انسجام (I)	۲۹
۴	حفظ الگوها (L)	۲۷

طبق ارقام مذکور در جدول فوق، بعد I همزمان در ۲۸ درصد موارد بر ابعاد انطباقی- اقتصادی و ۲۷ درصد موارد بر حفظ الگوها- فرهنگی اولویت دارد. بعد، در ۲۶ درصد موارد بر بعد دستیابی به هدف- سیاسی و در نهایت در ۱۹ درصد موارد بر ارزش‌هایی چون «آبرو»،

«وفاداری»، «منزلت» و «اعتماد» اولویت دارد. جدول ۱۲ نشان دهنده میزان اولویت بُعد L بر سایر ابعاد ارزشی است:

جدول ۱۲: تعداد و درصد اولویت بُعد L بر سایر ابعاد ارزشی

ردیف	ابعاد ارزشها	درصد
۱	انطباق با محیط (A)	۲۷
۲	دستیابی به هدف (G)	۲۷
۳	انسجام (I)	۲۷
۴	حفظ الگوها (L)	۲۰

بُعد L بیش از همه در حدود ۲۷ درصد از موارد بر ابعاد انسجامی- اجتماعی، دستیابی به هدف- سیاسی، و انطباقی- اقتصادی اولویت دارد. سرانجام، بُعد L که خود شامل ارزش‌هایی همانند «دینداری»، «حقیقت‌جویی»، «خویش‌داری» و «رعایت حقوق دیگران» است، در ۲۰ درصد موارد بر همدیگر اولویت دارند.

۲-۲. توصیف اولویت ارزش‌های اجتماعی بر حسب بعد T-M

جدول ۱۳ اولویت بعد T را نشان می‌دهد:

جدول ۱۳: تعداد و درصد اولویت ارزش سنتی T

ردیف	ابعاد ارزشها	درصد
۱	سنتی (T)	۴۶/۵
۲	مدرن (M)	۵۳/۵

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در ۵۳/۵ درصد موارد ارزش‌های سنتی بر ارزش‌های مدرن ترجیح داده می‌شوند. ارزش‌های سنتی که شامل ارزش‌هایی مانند «قناعت»، «لذت‌طلبی»، «امنیت جانی»، «اطاعت»، «آبرو»، «وفاداری»، «دینداری» و «حقیقت‌جویی» هستند، در ۴۶/۵ از موارد بر همدیگر ترجیح داده می‌شوند. جدول ۱۳ نشان دهنده اولویت ارزش‌های بُعد M است.

جدول ۱۴: تعداد و درصد اولویت ارزش‌های بعد مدرن M

درصد	ابعاد ارزش‌ها	ردیف
۵۳/۴	سنتی (T)	۱
۴۶/۶	مدرن (M)	۲

ارزش‌های مدرن در ۵۳/۴ درصد موارد بر ارزش‌های سنتی ترجیح داده می‌شوند. در ۴۶/۶ درصد موارد، ارزش‌های مدرن که شامل «پول»، «سلامت»، «اقتدار»، «مدارا»، «منزلت»، «اعتماد»، «خویش‌داری» و «رعایت حقوق دیگران» است، بر همدیگر ترجیح داده می‌شوند.

۳. توصیف اشکال رابطه اولویتی ارزشی

در اینجا به ترتیب اشکال رابطه اولویتی شامل روابط بازتابی، تکمیل، متقارن، نامتقارن، و تعدی توصیف می‌شوند.

۳-۱. شکل «بازتابی»

طبق تعریف، رابطه اولویتی زمانی بازتابی قلمداد می‌شود که ارزشی مانند «آبرو» بر ارزش همگن دیگری همچون «وفاداری» اولویت داشته باشد و بر عکس. رابطه بازتابی بین مجموعه ارزش‌های به کار رفته در این پژوهش در حوزه‌های زیر استخراج شده است و به ترتیب گزارش می‌شود:

- ♦ حوزه A: رابطه بازتابی «قناعت/ لذت‌طلبی» (T) و «پول/ سلامت» (M)؛
- ♦ حوزه G: رابطه بازتابی «امنیت جانی/ اطاعت» (T) و «اقتدار/ مدارا» (M)؛
- ♦ حوزه I: رابطه بازتابی «آبرو/ وفاداری» (T) و «منزلت/ اعتماد» (M)؛
- ♦ حوزه L: رابطه بازتابی «دینداری/ حقیقت‌جویی» (T) و «خویش‌داری/ رعایت حقوق دیگران» (M).

جدول ۱۵: تعداد و درصد روابط بازتابی به تفکیک ابعاد ارزشی

درصد	تعداد	
۲۵/۸	۲۷۲	پول ↔ طلبی لذت (A)
۲۵/۴	۲۶۹	مدارا ↔ امنیت جانی (G)
۶/۲	۲۵۰	اعتماد ↔ وفاداری (I)
۴۵/۵	۴۸۲	رعایت حقوق دیگران ↔ دینداری (L)

همان طور که ملاحظه می‌شود، بیشترین میزان روابط بازتابی به حوزه «فرهنگی» اختصاص دارد، بُعد حوزه «اقتصادی»، حوزه «سیاسی» و در نهایت حوزه «اجتماعی» به ترتیب در اولویت قرار گرفته‌اند.

این نتیجه بدین معناست که، مطابق با چهارچوب نظری پژوهش، ارزش‌های فرهنگی به دلیل دارا بودن خاصیت نمادین و پویایی زیاد بیش از سایر ارزش‌ها به عنوان جایگزین یکدیگر مورد پسند قرار می‌گیرند. ارزش‌های اقتصادی نیز در درجه دوم، پویاتر از ارزش‌های سیاسی و اجتماعی هستند. ارزش‌های سیاسی و اجتماعی بیش از سایر ارزش‌ها اثر انسدادی دارند.

۲-۳. شکل «تکمیل»

طبق تعریف، رابطه اولویتی زمانی تکمیل قلمداد می‌شود که ارزشی مانند «قناعت» بر ارزش ناهمگن دیگری همچون «آبرو» اولویت داشته‌باشد یا بر عکس.

جدول ۱۵ رابطه تکمیل در حوزه‌های زیر را نمایش می‌دهد:

◆ حوزه A: رابطه تکمیل «لذت‌طلبی و پول» با ارزش‌های ابعاد L, I, G؛

◆ حوزه G: رابطه تکمیل «امنیت جانی و مدارا» با ارزش‌های ابعاد L, I, A؛

◆ حوزه I: رابطه تکمیل «وفاداری و اعتماد» با ارزش‌های ابعاد L, G, A؛

◆ حوزه L: رابطه تکمیل «دینداری و رعایت حقوق دیگران» با ارزش‌های ابعاد I, G, A.

همان طور که ملاحظه می‌شود، روابط اولویتی ارزش‌های زوجی «وفاداری و دینداری» و «وفاداری و امنیت جانی» دارای بیشترین قابلیت تکمیل و ارزش‌های زوجی «مدارا و اعتماد» دارای کمترین قابلیت تکمیل هستند. به عبارتی درجه ناپایداری جوانان در انتخاب ارزش دینداری و وفاداری بسیار بیشتر از سایر انتخاب‌هاست. این دو ارزش «سنتی»‌اند و به ترتیب متعلق به ابعاد فرهنگی و اجتماعی هستند. در مقابل، زوج ارزشی مدارا و اعتماد دارای بیشترین درجه پایداری جوانان هستند. این دو ارزش «مدرن»‌اند و به ترتیب متعلق به ابعاد سیاسی و اجتماعی هستند.

جدول ۱۶: تعداد و درصد روابط تکمیل به تفکیک ابعاد ارزشی

تکمیل		غیر تکمیل		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵۳/۳	۵۶۴	۴۶/۷	۴۹۴	مدارا ← اعتماد اعتماد ← مدارا
۵۸/۱	۶۱۵	۴۱/۹	۴۴۳	اعتماد ← پول پول ← اعتماد
۶۴/۲	۶۷۹	۵۳/۸	۳۷۹	دینداری ← لذت طلبی لذت طلبی ← دینداری
۷۰/۱	۷۴۲	۲۹/۹	۳۱۶	مدارا ← پول پول ← مدارا
۷۵/۰	۷۹۳	۲۵/۰	۲۶۵	اعتماد ← رعایت حقوق رعایت حقوق ← اعتماد
۷۶/۱	۸۰۵	۲۳/۹	۲۵۳	مدارا ← رعایت حقوق رعایت حقوق ← مدارا
۸۴/۳	۸۹۲	۱۵/۷	۱۶۶	وفاداری ← لذت طلبی لذت طلبی ← وفاداری
۸۶/۱	۹۱۱	۱۳/۹	۱۴۷	امنیت ← لذت طلبی لذت طلبی ← امنیت
۸۶/۲	۹۱۲	۱۳/۸	۱۴۶	امنیت ← دینداری دینداری ← امنیت
۸۶/۶	۹۱۶	۱۳/۴	۱۴۲	رعایت حقوق ← پول پول ← رعایت حقوق
۸۷/۱	۹۲۱	۱۲/۹	۱۳۷	امنیت ← وفاداری وفاداری ← امنیت
۸۷/۶	۹۲۷	۱۲/۴	۱۳۱	وفاداری ← دینداری دینداری ← وفاداری

۳-۳. اشکال «مقارن» و «نامقارن»

طبق تعریف، رابطه اولویتی زمانی مقارن قلمداد می‌شود که ارزشی مانند «سلامت» بر ارزش ناهمگن دیگری همچون «اعتماد» اولویت داشته باشد و بالعکس. در مقابل رابطه اولویتی زمانی نامقارن قلمداد می‌شود که ارزشی مانند «دینداری» بر ارزش ناهمگن دیگری همچون «پول» اولویت داشته باشد اما عکس آن رخ ندهد. این نوع روابط در بین اجزای مجموعه ارزش‌های مورد پژوهش استخراج شده است و در جدول ۱۶ گزارش می‌شود.

طبق ارقام مذکور در جدول زیر، ارزش‌های زوجی «امنیت جانی و وفاداری» و بعد از آن ارزش‌های زوجی «وفاداری و دینداری» دارای بیشترین و زوج ارزشی «اعتماد و پول» دارای کمترین خاصیت تقارن در نظام اولویتی ارزشی جوانان تهرانی است. به عبارتی نمی‌توان از اولویت قاطع یکی از ارزش‌های وفاداری و امنیت جانی سخن به میان آورد، اما با درجه‌ای بیشتر می‌توان به اولویت قاطع ارزش پول بر اعتماد اشاره کرد.

جدول ۱۷: تعداد و درصد روابط متقارن به تفکیک ابعاد ارزشی

تکمیل		غیر تکمیل		
تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱۲/۹	۱۳۶	۸۷/۱	۹۲۲	مدارا ← اعتماد اعتماد ← مدارا
۱۶/۲	۱۷۱	۸۳/۸	۸۸۷	اعتماد ← پول پول ← اعتماد
۱۶/۹	۱۷۹	۸۳/۱	۸۷۹	دینداری ← لذت طلبی لذت طلبی ← دینداری
۱۷/۰	۱۸۰	۸۳/۰	۸۷۸	مدارا ← پول پول ← مدارا
۱۸/۹	۲۰۰	۸۱/۱	۸۵۸	اعتماد ← رعایت حقوق رعایت حقوق ← اعتماد
۲۴/۰	۲۵۴	۷۶/۰	۸۰۴	مدارا ← رعایت حقوق رعایت حقوق ← مدارا
۳۰/۴	۳۲۲	۶۹/۶	۷۳۶	وفاداری ← لذت طلبی لذت طلبی ← وفاداری
۳۸/۴	۴۰۶	۶۱/۶	۶۵۲	امنیت ← لذت طلبی لذت طلبی ← امنیت
۳۸/۶	۴۰۸	۶۱/۴	۶۵۰	امنیت ← دینداری دینداری ← امنیت
۴۲/۲	۴۴۷	۵۷/۸	۶۱۱	رعایت حقوق ← پول پول ← رعایت حقوق
۴۴/۴	۴۷۰	۵۵/۶	۵۸۸	امنیت ← وفاداری وفاداری ← امنیت
۴۵/۰	۴۷۶	۵۵/۰	۵۸۲	وفاداری ← دینداری دینداری ← وفاداری

۴-۳. شکل «تعدی» (بندش)

طبق تعریف، رابطه اولویتی زمانی متعدی قلمداد می‌شود که ارزشی مانند «امنیت جانی» بر ارزش **ناهمگن** دیگری همچون «پول» و «پول» بر ارزش **ناهمگن** دیگری مثل «وفاداری» و در نتیجه «امنیت جانی» بر ارزش **ناهمگن** دیگری همچون «وفاداری» اولویت داشته باشد. این نوع رابطه در هر ترکیب سه‌تایی اجزای مجموعه ارزش‌های مورد پژوهش استخراج شده است و در جدول ۱۷ گزارش می‌شود.

در شبکه روابط اولویتی نظام ارزش‌های جوانان شانزده نوع از سه‌تایی‌ها بر حسب الگوی MAN قابل شناسایی است:

M تعداد روابط اولویتی متقابل (مقارن)

A تعداد روابط اولویتی نامتقابل (نامقارن)

N تعداد روابط پوچ (اولویت نداشتن ارزشی بر ارزش دیگر)

در جدول زیر انواع سه‌تایی‌های مشاهده شده فهرست شده است:

جدول ۱۸: تعداد سه‌تایی‌های شانزده‌گانه در نظام اولویتی ارزشی جوانان تهران

ردیف	M	A	N	تعداد مشاهده شده
۱	۰	۰	۳	۱۵۱
۲	۰	۱	۲	۵۱
۳	۱	۰	۲	۰
۴	۰	۲	۱	۲۲۹
۵	۰	۲	۱	۰
۶	۰	۲	۱	۲
۷	۱	۱	۱	۰
۸	۱	۱	۱	۱۲
۹	۰	۳	۰	۳۰
۱۰	۰	۳	۰	۰
۱۱	۲	۰	۱	۰
۱۲	۱	۲	۰	۰
۱۳	۱	۲	۰	۷۴
۱۴	۱	۲	۰	۰
۱۵	۲	۱	۰	۷
۱۶	۳	۰	۰	۴
تعداد کل سه‌تایی‌های متعددی				۲۲۳
تعداد کل سه‌تایی‌های غیرمتعددی				۲۱
تعداد سه‌تایی‌های چرخشی				۴۵

با در نظر گرفتن اینکه تعداد کل سه‌تایی‌های ممکن ۳۳۶۰ است می‌توان میزان وجود تعدی در نظام اولویتی ارزشی جوانان تهرانی را در حدود ۶/۴ درصد (۲۲۳ تقسیم بر ۳۳۶۰) برآورد کرد.

این شاخص نشان‌دهنده میزان تراکم در بافت نظام اولویتی ارزشی است و با توجه به مقدار مشاهده شده، حدود ۶/۴ درصد، می‌توان ادعا کرد که نظام ارزشی جوانان تهرانی دارای بافت بسیار نامتراکم است.

۴. ساختار نظام اولویتی ارزشی اکثر جوانان تهرانی

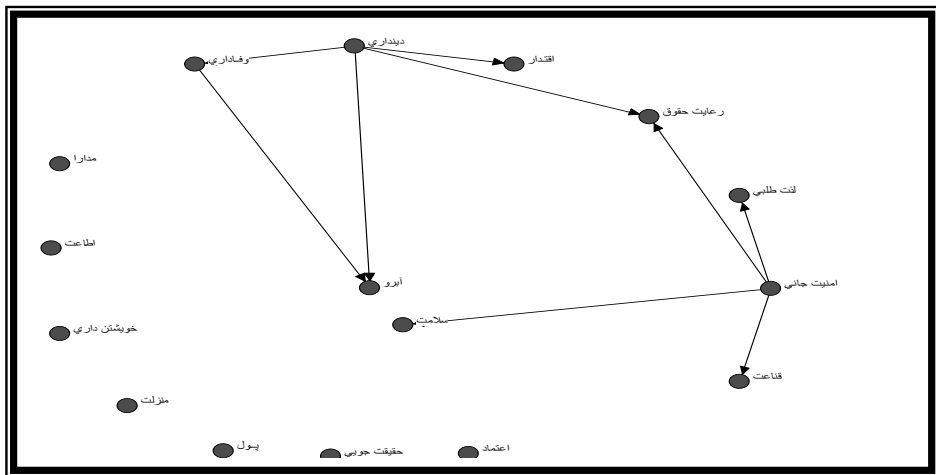
هدف اصلی این پژوهش یافتن ساختار نظام اولویتی ارزش‌های جوانان تهرانی بود. کاری که

در این بخش اجرا شد و نتایج آن گزارش می‌شود. به عنوان یادآوری گفته می‌شود که ساختار نظام اولویتی ارزشی حداقل شش گونه متفاوت خواهد داشت: بازتابی و متعددی؛ نیمه مرتب؛ بازتابی و متعددی و ضدتقارن؛ مرتب جزئی؛ متعددی و متقارن؛ مرتب جزئی مستحکم؛ بازتابی، متعددی و تکمیل؛ مرتب؛ بازتابی، متعددی و تکمیل و ضد تقارن؛ دنباله؛ متعددی، نامتقارن و تکمیل؛ مرتب قوی.

در ادامه میزان نزدیکی نظام اولویتی ارزشی جوانان تهرانی به هر یک از این ساختارها مشخص می‌شود. چون نظریهٔ بهینهٔ کامل پاره‌تویی، یعنی همهٔ جامعه‌نشینان در مورد یک نظام ارزشی خاص توافق کامل داشته باشند، معیاری بسیار سخت‌گیرانه برای جوامع انسانی است، در این قسمت از مقاله به هدف اصلی این پژوهش که شناسایی نظام ارزشی اکثر جوانان ایرانی است، پرداخته می‌شود.

در این پژوهش نظام اولویتی ارزشی اکثر (۷۵ درصد) جوانان تهرانی ملاک قرار گرفت و الگوی بهینهٔ آنها استخراج شد. نمودار ۳ نظام اولویتی ارزشی مورد توافق ۷۵ درصد از جوانان تهرانی را نمایش می‌دهد. طبق آن، دو ارزش محوری قابل شناسایی است: دینداری و امنیت جانی. دینداری بر ارزش‌های وفاداری، آبرو، اقتدار و رعایت حقوق دیگران اولویت یافته است. امنیت جانی نیز بر ارزش‌های قناعت، سلامت، لذت‌طلبی و رعایت حقوق دیگران اولویت دارد.

نمودار ۳: ساختار نظام اولویتی ارزشی بهینه ۷۵ درصد از جوانان تهران



تنها نقطه اتصال خرده‌نظام اولویتی دینداری محور و امنیت‌محوره عنوان یک پل ارتباطی، ارزش «رعایت حقوق دیگران» است. به عبارتی، در صورتی که جوانان تهرانی حقوق دیگران را فدای امنیت جانی و دینداری خود نکنند، نظام ارزشی آنها به دو مجمع‌الجزایر مجزا از همدیگر تجزیه خواهد شد و در مواجهه با شرایط انتخاب در دو راهی‌های ارزشی، یا امنیت جانی را ملاک انتخاب قرار خواهند داد یا دینداری را.

مثلث متعدی دینداری، وفاداری و آبرو تنها بافت استوار موجود در نظام اولویتی ارزشی اکثر جوانان تهرانی است. از نظر آنها آبرو همیشه تابعی از وفاداری و دینداری و وفاداری نیز همیشه تابعی از دینداری خواهد بود.

اکثر جوانان تهرانی در مورد اولویت ارزش‌های مدارا، اطاعت، خویشتن‌داری، منزلت، پول، حقیقت‌جویی، و اعتماد در نظام ارزشی به توافق نرسیده‌اند.

این نظام به دلیل دارا بودن یک رابطه متعدی و یک رابطه بازتابی و نیز به دلیل فقدان رابطه نامتقارن، به ساختار نوع ۱، یعنی ساختار «نیمه مرتب» برازنده‌تر است تا سایر ساختارهای موجود. ساختار نیمه‌مرتب شکننده است و به لحاظ دارا بودن ارزش‌های منزوی بسیار در نظام اولویتی ارزشی آنومیک، دارای تبعات منفی بسیار فردی و جمعی قلمداد می‌شود.

ارزش‌های محوری دینداری و امنیت جانی هر دو در قلمرو ارزش‌های «سنتی» قرار می‌گیرند و بر ارزش‌های سنتی حوزه‌های مختلف دیگر اولویت دارند. از این رو به لحاظ محتوایی، ساختار نظام اولویتی ارزشی اکثر جوانان تهرانی را می‌توان «سنتی» قلمداد کرد.

جمع‌بندی و پیشنهادات

در این مقاله چنین استدلال شد که الف) الگو یا ساختار نظام اولویتی ارزشی در واقع نقشه‌ای است برای ساماندهی جهان (های فیزیکی و اجتماعی و حتی غیردنیوی)؛ ب) اولویت یک ارزش بر ارزش متمایز دیگر به معنای انتخاب کنشی متمایز با دیگری در زمان بعدی است؛ ج) الگوی نظام اولویتی ارزشی نسل مشخص را می‌توان شناسنامه یا هویت آن نسل محسوب کرد.

نتایج به دست آمده حاکی از این بود که نظام اولویتی ارزشی اکثر جوانان تهرانی دارای ساختار «نیمه مرتب» با غلبه نوع «سنتی» است. با این توصیف، برای مسئولان و دست‌اندرکاران امور جوانان داشتن نقشه هویتی ارزشی و مبتنی بر آن، تخمین نقشه کنش‌ها و

اعمال جوانان تهرانی اهمیت بسزایی دارد. با دانستن اینکه دو ارزش محوری (دینداری و امنیت جانی) در نظام اولویتی ارزشی جوانان وجود دارد، اقدامات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱. در برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی و سیاسی بایستی به «عقاید و باورهای دینی» و «صیانت از نفس» جوانان احترام نهاده شود. بدین معنی که از اجرای برنامه‌ها و اقداماتی که به نحوی در برگیرنده توهین به عقاید و باورهای دینی جوانان است، خودداری شود.

۲. اکثر جوانان تهرانی از آبروی خود در میان دوستان و آشنایان می‌گذرند، از عمل کردن به عهد و قول خود به دیگران صرف نظر می‌کنند، و حاضرند اقتدار خود را در جامعه از دست بدهند اما به عقاید دینی خود جامه عمل بپوشانند، حتی اگر این کار به هزینه انجام ندادن تکالیف اجتماعی آنها تمام شود. این نقشه ارزشی جوانان تهرانی می‌تواند قسمتی از الگوی برنامه‌ها و اقدامات دولت برای هدایت جوانان به سمت آرمان‌هایشان باشد و رضایت آنها را برانگیزد.

۳. اکثر جوانان تهرانی لذت‌های آنی و استراحت و آرامش روزمره را فدای حفظ جان خود می‌کنند، حتی اگر لازم باشد در این راه حقوق دیگران را پایمال سازند. اجرای برنامه‌هایی که هدف آنها تأمین اطمینان در مورد صیانت از جان جوانان تهرانی است و خودداری از اجرای برنامه‌هایی که به نحوی برای جان جوانان تهدیدزا هستند، اهمیت بسزایی دارد.

۴. شاید مهم‌ترین پیشنهاد این پژوهش به دست‌اندرکاران امور جوانان این باشد که سعی شود بین ارزش دینداری و امنیت جانی نوعی اتصال اولویتی برقرار شود. اکنون، معلوم نیست اگر اکثر جوانان تهرانی در موقعیتی قرار گیرند که از بین آن دو یکی را بر دیگری ترجیح دهند، کدام یک را فدای دیگری خواهند کرد، عمل به آموزه‌های دینی یا حفظ جان خود را؟ در ایدئولوژی اسلام فداکردن جان در راه عمل به عقاید دینی «شهادت» قلمداد می‌شود و انجام دادن عکس آن عمل با ایدئولوژی اومانیستی تطابق بیشتری دارد. انتخاب رهبران فرهنگی جامعه هر چه باشد، می‌تواند در مرتب کردن نظام اولویتی ارزشی و مستحکم کردن آن و تعیین روند حرکت رفتاری جوانان نقش بسزایی داشته باشد.

۵. دو ارزش رعایت حقوق دیگران و اقتدار که در نظام ارزشی جوانان تابع ارزش‌های دینداری و امنیت جانی هستند، از ارزش‌های مدرنی قلمداد می‌شوند که اگر چه در بافت اولویت ارزشی جوانان تهرانی برای خود جایی باز کرده‌اند؛ در محاصره ارزش‌های سنتی قرار گرفته اند و پیوند آنها با ارزش‌های مدرن دیگری از قبیل مدارا، اعتماد، منزلت، خویش‌داری و

غیره قطع شده است. ضروری است برای حفظ تعادل در نظام اولویتی ارزشی جوانان اقدام به ادغام این ارزش‌ها در بافت اولویت‌های کنونی گردد. تعلق در برقراری این اتصالات، نظام اولویتی ارزشی را بیش از پیش دچار تجزیه می‌کند، انطباق جوانان با نیازها و شرایط زندگی مدرن امروزی را نامیسر می‌سازد و آنها را به سمت سازگاری با شرایط سوق می‌دهد و چه چیزی خطرناک‌تر از اینکه شرایط وارداتی مدرن، غالباً صادره از کشورهای غربی، خود را بر رفتار جوانان تهرانی تحمیل کنند.

۶. با وقوف به نظام اولویتی ارزشی فوق‌الذکر، باید یک نظام اولویتی ارزشی ایده‌آل از نظر مدیران و رهبران دولتی با در نظر گرفتن مصالح عمومی تدوین و در صورت ناساز بودن این دو، اولویت‌های ناهمگون شناسایی و اصلاح شود.

۷. با توجه به اینکه روش این پژوهش «مقطعی» بوده است، نتایج به دست آمده را می‌توان تنها به مثابه توصیفی یک زمانه از نقشه اولویتی نظام ارزشی جوانان تهرانی قلمداد کرد. در این مقاله فقط بخشی از نتایج مستخرج از نظام اولویتی ارزشی اکثر (هفتاد و پنج درصد) جوانان - بدون تفکیک به گروه‌ها و اقشار جنسی، وضع تاهل، سنی، تحصیلاتی - به طور خلاصه گزارش شد. لیکن، اجرای پژوهش‌های مستمر و یافتن روند تغییر یا ثبات در نظام‌های اولویتی ارزشی جوانان به تفکیک گروه‌ها و اقشار مختلف ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

منابع فارسی

- افروغ، ع. (۱۳۸۰). **هویت ایرانی**، تهران: انتشارات بقیه.
- اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳). **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**. ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- ترنر، ج. اچ؛ ال. ب. (۱۳۷۱). **پیدایش نظریه جامعه‌شناختی**، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: نشر فرهنگ شیراز.
- توکلی، مهناز (۱۳۸۰). **ارزش‌های مذهبی دو نسل دختران و مادران: شکاف یا پیوستگی**، نامه علوم اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۱.
- توسلی، ا. (۱۳۸۳). **بررسی تطبیقی دگرگونی‌های ارزشی از انقلاب تا اصلاحات**، پایان - نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

- تیموری، ک. (۱۳۷۹). نظام ارزش های نوجوانان شهر تهران، فرهنگ عمومی، شماره ۱۹-
۴۶-۶۴: ۱۸.
- چلبی، م. (۱۳۷۵). جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران:
نشرنی.
- چلبی، م. (۱۳۷۹). برنامه ریزی فرهنگی: عامل تغییر یا ثبات، فرهنگ عمومی، شماره ۱۹-
۷۰-۷۴: ۱۸.
- چلبی، م. (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی.
- حاجیلری، ع. (۱۳۷۷). بررسی تطبیقی تغییر ارزش های اجتماعی در مطبوعات سال های
۱۳۶۰ و ۱۳۶۵، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه
طباطبائی، تهران.
- روشه، گ. (۱۳۸۲). تغییرات اجتماعی، ترجمه ی منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۵). نظریه های جامعه شناسی، ترجمه احمد رضا غروی زاد، تهران: نشر موسسه
انتشارات جهاد دانشگاهی.
- عبدالطیف، م. خ؛ (۱۳۷۸)، بررسی روان شناختی تحول ارزش ها، ترجمه سید حسین
سیدی، مشهد: آستان قدس رضوی.

منابع انگلیسی

- Elster, J. and Aanund H. (1989). **Landering Preferences, in Foundations of Social Choice Theory**, Ed. Robert E. Good in, Cambridge University Press.
- Emirbayer, M. (1998). **Manifesto for a Relational Sociology**, American. Journal of Sociology, 103(2): 281-317.
- Fararo, T. J. (1989). **The Meaning of General Theoretical Sociology: Tradition and Formalization**, Cambridge University Press.
- Fararo, T. J. (2000), **Theoretical Sociology in the 20th Century**.
- Harary, F. (1972). **Graph Theory**, Addison-Wesley.
- Ingelhart, R. (2000), **Globalization and Postmodern Values**, The Washington Quarterly, 23: 215-28 .

- Ingelhart, R. and Wane E. B. (2000), **Modernization, Cultural Change, and the Persistence of Traditional Values**, American Sociological Review, 65: 19-51.
- Inglehart, R. (1980), **Connections between Socioeconomic Conditions and Individual Value Priorities**, Kolner- Zeitschrift-fur- Soziologie- und- Sozialpsychologie, 32: 44-153 .
- Lasswell, H., Lerner, D., Montgomery, J. (1976), **Values and Development: Appraising Asian Experience**, MIT Press, Cambridge.
- Little, R. and Steve, S. (1988), **Belief Systems and International System**, Basil Blackwell Ltd .
- Martin, John L. and James A. Wiely (2000), **Algebraic Representations of Beliefs and Attitudes II: Microbelief Models for Dichotomous Belief Data"**, Sociological Methodology, 30-31: 123-64 .
- Sen, Amartya K. (1979), **Collective Choice and Social Welfare**, North- Holland Publication.
- Wiely, J. A. and John, L. M. (1999), **Algebraic Representations of Beliefs and Attitudes: Partial Order Models for Item Responses**, Sociological Methodology, 29: 113-46 .